

به برکت محمد (ص) هدایتی کردی، آنگاه که گمراه بودم
و آزادم کردی، آندم که بنده بودم
کشتی سرگشته ای بودم که در ساحل امن ایمان به
محمد و خاندانش آرام گرفتم.

... اینک چه غوغایی است، درون من؟!...
از آن روز که پیامبر (ص) بانگ سفر زده است
و همه را همسفر خود، در مدینه
شور و شوقی دیگر افتاده است
سخن از ناگفته هاست که در این سفر گفته شود
و یا ادای حج است که در این سفر کامل شود.
... و این سوال را هیچ کس، حتی از خود نپرسید:
چرا فراخواندن همگان؟!... چرا واپسین حج؟!...
ایا پیامبر (ص) بر طبل رحیل می کوبد، تا به
گفته خود از میان ما برود و ما را
به غم عظیم دچار سازد؟!...
بارالهی!... هر آنچه هست، طعم حضور در
این سفر را به من بپشان!...
تا شاید دروازه ای گشوده شود و
قوم من بدانند این حقیقت را.



حاضران به غایبان بگویند

مدینه / ذی القعدة سال دهم هجری
پیامبر (ص) به فرمان الهی منادیانی را به مدینه
و بلاد اسلامی گسیل می دارد تا
مسلمانان را به همراهی خود در این
اولین و آخرین حج تمتع فرا بخوانند.

منابع:

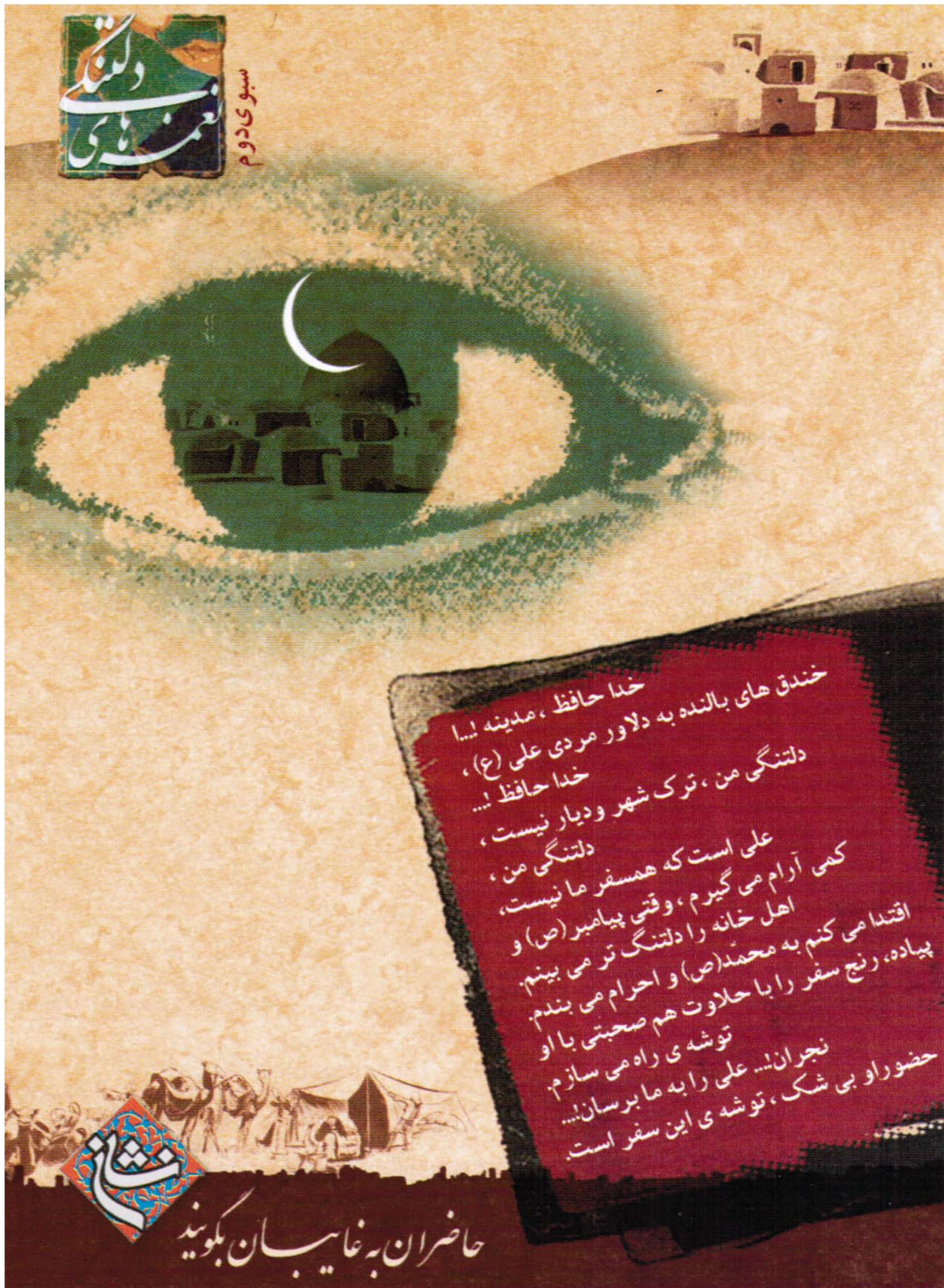
۱- عوالم العلوم ج ۳۰/۱۵ ص ۱۶۷

۲- الغدير ج ۱ ص ۹، ۱۰

۳- بحار الانوار ج ۲۱ ص ۳۶۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۰ / ج ۲۸ ص ۹۵



سبوی دوم



خندق های بالنده به دلاور مردی علی (ع)،
 خدا حافظ ، مدینه ایی!
 خدا حافظ ایی!
 دلتنگی من ، ترک شهر و دیار نیست ،
 دلتنگی من ،
 علی است که همسفر ما نیست ،
 کمی آرام می گیرم ، وقتی پیامبر (ص) و
 اهل خانه را دلتنگ تر می بینم .
 اقتدا می کنم به محمد (ص) و احرام می بندم .
 پیاده ، رنج سفر را با حلاوت هم صحبتی با او
 توشه ی راه می سازم .
 نجران ایی... علی را به ما بوسان ایی...
 حضور او بی شک ، توشه ی این سفر است .

حاضران به غایبان بگویند



مدینه / شنبه بیست و پنجم ذی القعدة
سال دهم هجری
پیامبر (ص) به همراه اهل بیت، همسران و سایر
مسلمانان مدینه و آنان که از اطراف به
این کاروان پیوسته‌اند از مدینه خارج شده
و در مسجدی حوالی شهر
به نام «شجره» احرام می‌بندند
تا رهسپار مکه شوند.
علی (ع) به دستور پیامبر (ص) و به همراهی سپاهی
برای جمع‌آوری زکات، خمس و جزیه
راهی نجران و یمن شده‌اند.

منابع:

۱- عوالم العلوم ج ۳۰/۱۵ ص ۱۶۷

۲- الغدیر ج ۱ ص ۹، ۱۰

۳- بحار الانوار ج ۲۱ ص ۳۶۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۰ / ج ۲۸ ص ۹۵



عرب جنگ آور است و این را حتی من که از سرزمین فارس گام به جزیره العرب نهاده ام خوب می فهمم. پیامبر در سرزمین منا، یادآور خون های به ناحق ریخته در جاهلیت می شود تا بدانیم که فصل انتقام و ناامنی به سر آمده است. رسول خدا (ص) در برابر چشمان ما که به روزهای بی حضورش نگران است، به علی اشاره کرده و او را بعد از خود به عنوان مقابله کننده با اخلاکگران معرفی می نماید، علی را که فاتح خیبر است و قهرمان خندق، مرد بدر واحد و حنین.



مکه / نهم ذی الحجّه سال دهم هجری
کاروان عظیم حج به موقف عرفات
و سپس مشعر و منا رسیده و اعمال حج یکی پس
از دیگری انجام می شود.
پیامبر(ص) در منا خطبه ای می فرمایند
که در آن به امنیت اجتماعی مسلمین و مقابله ی
حضرت علی (ع) با اخلاصگران آن اشاره دارد.

منابع :

بحارالانوار ج ۳۷ ص ۱۱۳ / ج ۲۱ ص ۳۸۰ / ج ۳۷ ص ۱۱۴



سنوی چهارم



این قافله سالار،
 چه هشیارانده، کاروان می برد!...
 بی شک، تحفه ای گران بها توشه ی
 سفر کرده است!...
 و پیش از آنکه، رهنمان بر بایندش
 به حکم عصمت، بردوش همگان می نهد،
 تا که تواند کشید، این بار امانت را؟!...
 و جدا سازد، آنکه پیامش را به دست و زبان
 خرید و آن کس که پیام را از دریچه ی دل
 به جان ها سپرد.
 این سرزمین دل ها را، امیری می باید، که
 فریادرس ناله ی شبانه ی کودکان باشد.
 این قافله سالار، چه هشیارانه خود را
 در آینه ی عترت، تکرار می کند!...
 آینه ای گر بشکند، تکرار، افزون تر شود!...



حاضران به غایبان بگویند

مکه / منا / ذی الحجّه سال دهم هجری
پیامبر (ص) این بار در مسجد «خیف»
حدیث ثقلین را بیان می فرمایند:
« من دو چیزگران بها را در میان شما باقی
میگذارم که اگر به این دو تمسک جوئید
هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا و
عترت یعنی اهل بیت من »
از دیگر وقایع این ایام اختصاص لقب
«امیر المؤمنین» به حضرت علی (ع) توسط
پیامبر اسلام (ص) و به امر الهی است.

منابع :

شیعه (الخلاف ج ۱ ص ۲۴ / بحار الانوار ج ۳۷ ص ۱۱۱ ، ۱۲۰ / عوالم ج ۱۵/۳ ص ۳۹ /
سلیم بن قیس ص ۷۳۰) اهل سنت (صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۸۷۳ / سنن دارمی ج ۲ ص ۴۳۲ /
مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۰۹)



سبوی پنجم

کاروان حاجیان به دستور پیامبر (ص)
همگی به سمت وادی غدیر خم حرکت می کنند،
حتی اهالی مکه و من با خود این چنین می اندیشیم.
ای سلمان اگر نیک بنگری می بینی که
خانه خدا نیز همراه حاجیان از مکه خارج
می شود تا به امر صاحب قبله با باطن قبله
بیعت کند، و صفا و مروه را می بینی
که سعی می کنند حقیقت را در حوالی
برکه غدیر بیابند.



حاضران به غایبان بگویند

مکه / ذی الحجّه سال دهم هجری
با پایان یافتن مراسم حج ، پیامبر (ص)
به منادی خود بلال دستور می دهند تا
حرکت به سمت ((غدیر خم)) را به اطلاع
همگان برساند و فرمودند که جز معلولان ،
سایرین باید در وقت معین در غدیر خم حضور یابند.
فردای آن روز یکصد و بیست هزار نفر
از مسلمانان برای درک مراسم غدیر به
همراه ایشان عزیمت می کنند.

منابع :

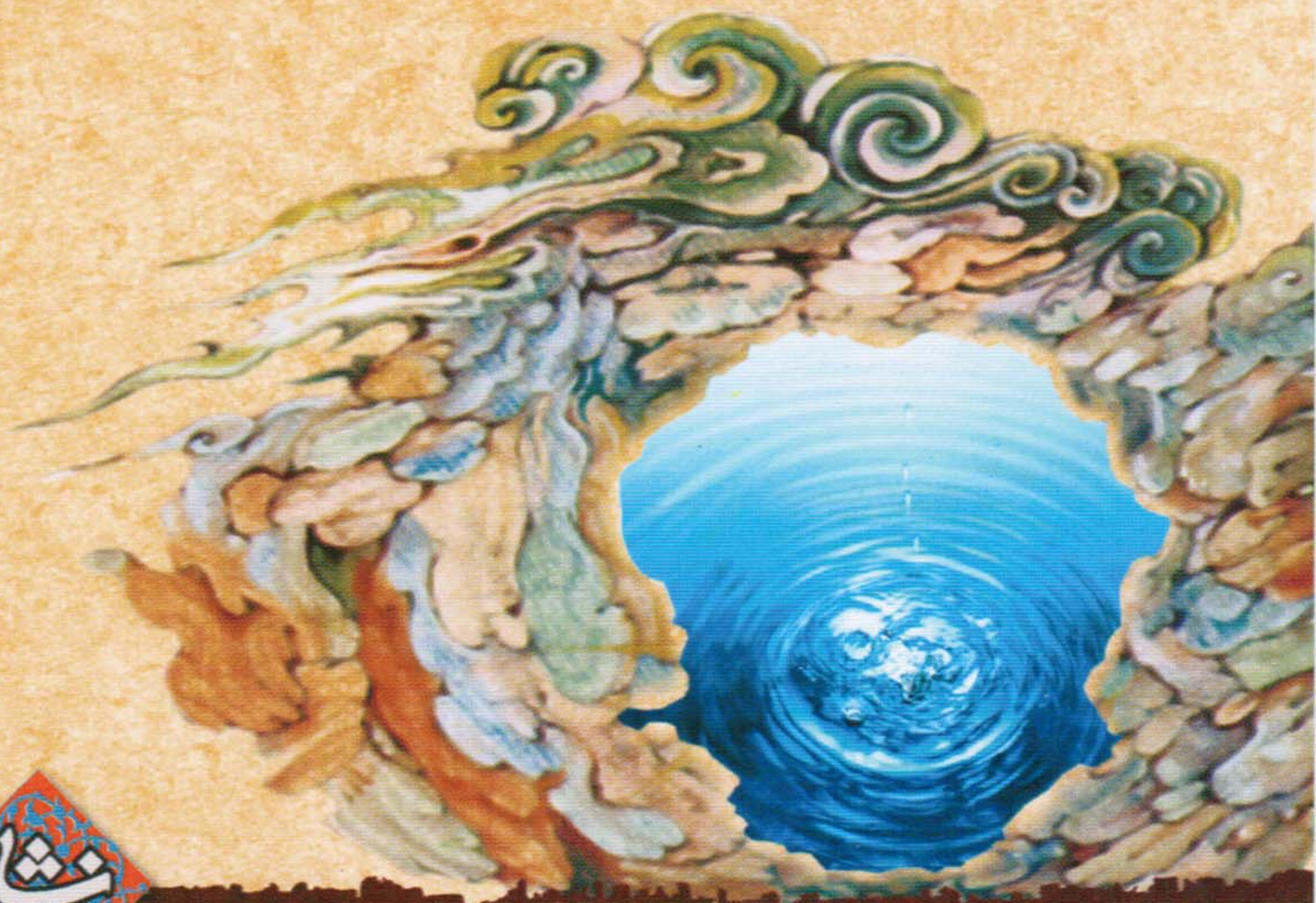
۱- بحار الانوار ج ۲۱ ص ۳۸۵ ، ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۵۸ / اثبات الهدی ج ۲ ص ۱۳۶

۲- الغدیر ج ۱ ص ۱۰ ، ۲۶۸



سبوی ششم

((اینجا اتراق می کنیم!...)) ندایی که لبخند را
بر چهره ی خسته ی کاروانیان می نشاند. و هجوم
بی امان تشنگان، بر برکه ی غدیر.
اما من، تشنه ی زلالی دیگرم،
تا از کجای این خاک بجوشد؟!...
این مفاک چیست؟!... آیا خم سر بسته است،
تا همگان گشودنش را به نظاره بنشینند؟!...
می ترسم از آنکه،
پیمانان به دست پیمان شکنان افتد!...



حاضران به غایبان بگویند

غدیر خم / دوشنبه هجدهم ذی الحجّه سال دهم هجری
 پیامبر (ص) حوالی ظهر و در منطقه ی «کراع الغمیم»
 مسیر حرکت کاروان را به طرف راست، سوی
 غدیر خم تغییر داده و می فرمایند:
 ای مردم، دعوت کننده ی خدا را اجابت کنید!
 غدیر خم منطقه ای است وسیع، چون گودالی عظیم
 با چند درخت کهنسال و برکه های فراوان.
 پیامبر (ص) به هنگام ورود به غدیر خم دستور
 اُتراق می دهند تا آن ها که پیش رفته اند باز گردند
 و آنان که پشت سر هستند خود را برسانند. سپس به ابوذر
 و عمار می فرمایند در زیر پنج درخت کهنسال،
 منبری فراهم آورند. آنان نیز با جهازشتران،
 منبری به بلندای قامت حضرتش می سازند.

منابع:

۱- بحارالانوار ج ۲۱ ص ۳۸۷ / ج ۳۷ ص ۱۷۳، ۲۰۳، ۲۰۴ / ج ۹۸ ص ۲۹۸

۲- عوالم ج ۳/۱۵ ص ۵۰، ۶۰، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۳۰۱

۳- الغدیر ج ۱ ص ۱۰، ۲۲

۴- مدینه المعجز ص ۱۲۸

۵- الفصول المهمه ص ۲۴، ۲۵



سبوی هفتم

خورشید به مرکز آسمان رسیده است ، سایه ها به صاحبان
سایه پیوسته اند و دست علی (ع) به دستان پیامبر (ص) .
پیامبر در معراجی دیگر پای نهاده اند تا پله پله دین خدا
کامل شود ، علی رانیز یک پله پایین تر با خود همراه کرده اند .
صدای مهربانش را می شنوم ؛ این که نماز بخوانید ، این که به
طواف خانه خدا بروید ، و این که قرآن تلاوت کنید ، باطنی دارد
و این باطن ولایت علی بن ابیطالب است .



حاضران به غایبان بگویند

غدیر خم / ظهر همان روز
 پیامبر (ص) بعد از ادای نماز جماعت ،
 بر فراز منبر ، امیرالمؤمنین را در کنار خود قرار می دهند و
 خطبه ی خویش را ابتدا با حمد و ثنای الهی آغاز می کنند .
 در قسمت دوم خطبه ، تصریح می نمایند که مأمور ابلاغ فرمانی
 درباره ی علی بن ابی طالب هستند .
 در بخش سوم ایشان سلسله امامت بعد از خود و
 ولایت آنان در حلال و حرام و جمیع امور دین را اعلام می دارند .
 ایشان در فصل چهارم خطبه ، دست علی (ع) را بلند می کنند
 و می فرمایند ((من كنت مولاه فهذا علی مولاه)) سپس
 کمال دین و تمام نعمت را با ولایت ائمه علیه السلام اعلام
 می دارند و خدا و ملائکه را بر ابلاغ این رسالت شاهده می گیرند .
 در بخش پنجم از این خطابه ، حضرت هشدار می دهند
 که سرباز زدن از ولایت ائمه علیه السلام خروج از مسیر
 بندگی حق است . در قسمت ششم پیامبر (ص) با تلاوت
 آیاتی در بحث عذاب و غضب الهی می فرمایند بعد از ایشان
 مقام امامت غصب می شود .

منابع :

۱- بحار الانوار ج ۲۱ ص ۳۸۷ / ج ۳۷ ص ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۹

۲- عوالم ج ۳/۵ ص ۴۷ / ج ۳/۱۵ ص ۹۷، ۴۴، ۳۰۱

۳- اثبات الهداة ج ۲ ص ۱۱۴، ۲۶۷، ۳۸۷، ۳۹۱ / ج ۳ ص ۵۵۸

۴- احقاق الحق ج ۲۱ ص ۵۳، ۵۷

۵- کتاب سلیم ص ۸۸

علی (ع) خورشید کهکشان بی‌انتهای هدایت است
واقمار این منظومه را، پیامبر (ص) یک به یک
نام می‌برد و ظهور قائم آن‌ها را در آخرالزمان
بشارت می‌دهد. علی (ع) و دو فرزندش
حسن و حسین (علیهم‌السلام) رامی‌شناسم
و دل می‌بندم به اقمار منظومه‌ای که
تا آخرالزمان راه‌قبره را پیش روی
مؤمنان حقیقی می‌گشایند. خوشامتی که
در آن روزگار از سرزمین من دوباره
به یاری علی برمی‌خیزند.



سپوی هشتم

حاضران به غایبان بگویند



همان ظهر غدیر
پیامبر (ص) آخرین امام از نسل خویش را
با نام ((قائم آل محمد)) به عنوان آخرین وعده ی الهی
و برپا کننده ی عدل و داد معرفی می کنند و با اشاره
به پاره ای از احکام می فرمایند با اعطای علم خویش
به امیرالمؤمنان و امامان بعد از او تمامی حلال ها
و حرام ها را تا روز قیامت بیان کرده ام.

منابع :

- ۱- بحارالانوار ج ۲۷ ص ۲۰۱، ۲۰۷
- ۲- اثبات الهداة ج ۲ ص ۱۱۴ / ج ۳ ص ۵۵۸



فرا می خواند و دست او را به عنوان امام حق بالا می برد
و اینک امامان باطل در میان جمعیت رخنه می کنند
تا غبار غفلت، خورشید حقیقت را در آسمان
اندیشه‌ی اینان پنهان سازد. این هجوم بیعت
شاید نویدگر پیمان این مردمان با امام حق باشد
و شاید تبلور اندیشه کسانی باشد که می خواهند
دنیا و آخرت را با هم داشته باشند. ولی هنوز
هوای نفس را در صحرای منا قربانی نکرده اند.

سبوی نهم
غفلت
غبار



حاضران به غایبان بگویند

پیامبر (ص) در همان جا از مردم می خواهند،
جملاتی در بیان قبول بیعت با امیرالمؤمنین
را بر زبان جاری سازند.
پس از پایان خطبه، مردم از هرسو، به سمت منبر
می آیند تا با پیامبر و امیرالمؤمنین (علیه السلام)
بیعت کرده و تهنیت بگویند.

منابع:

۱- بحارالانوار ج ۲۱ ص ۳۸۷ / ج ۳۷ ص ۲۱۵، ۲۱۹

۲- امالی شیخ مفید ص ۵۷



سبوی دهم

حاجیان حج آخر پیامبر
 سه روز است که در غدیر خم
 در انتظارند تا به نوبت
 با علی بیعت کنند .
 و من قافله‌ی دوستان علی را در
 مسیر زمان می بینم که در
 نوبت حیات ایستاده اند تا با
 مولای خود بیعت کنند .
 گویی غدیر، برکه ای است که
 قافله تاریخ تا همیشه
 از کنار آن می گذرد
 اینک من در این اندیشه ام
 که این پیام را چگونه
 به مردمان سرزمین خود
 برسانم ، آن گونه که
 پیامبر فرمودند:
 حاضران به غایبان
 و پدران به فرزندان
 نسل در نسل بگویند!
 آه ای مردمان سرزمین فارس
 این منم ، سلمان فارسی ،
 سلام !
 پیام بر غدیر



حاضران به غایبان بگویند

پیامبر (ص) دستور به برپایی دو خیمه می دهند
یکی برای خود و دیگری برای امیرالمؤمنین (ع).
حتی می فرمایند تا زنان هم با علی بیعت کنند،
بدین منظور تشت آبی در پس پرده می نهند تا
علی (ع) از یک سو دست خود را در آب گذارد و زنان
به نوبت از سوی دیگر با ایشان بیعت نمایند.

منابع :

۱- بحارالانوار ج ۲۱ ص ۳۸۷ / ج ۲ ص ۹۰ / ج ۳۷ ص ۱۶۶، ۱۲۷

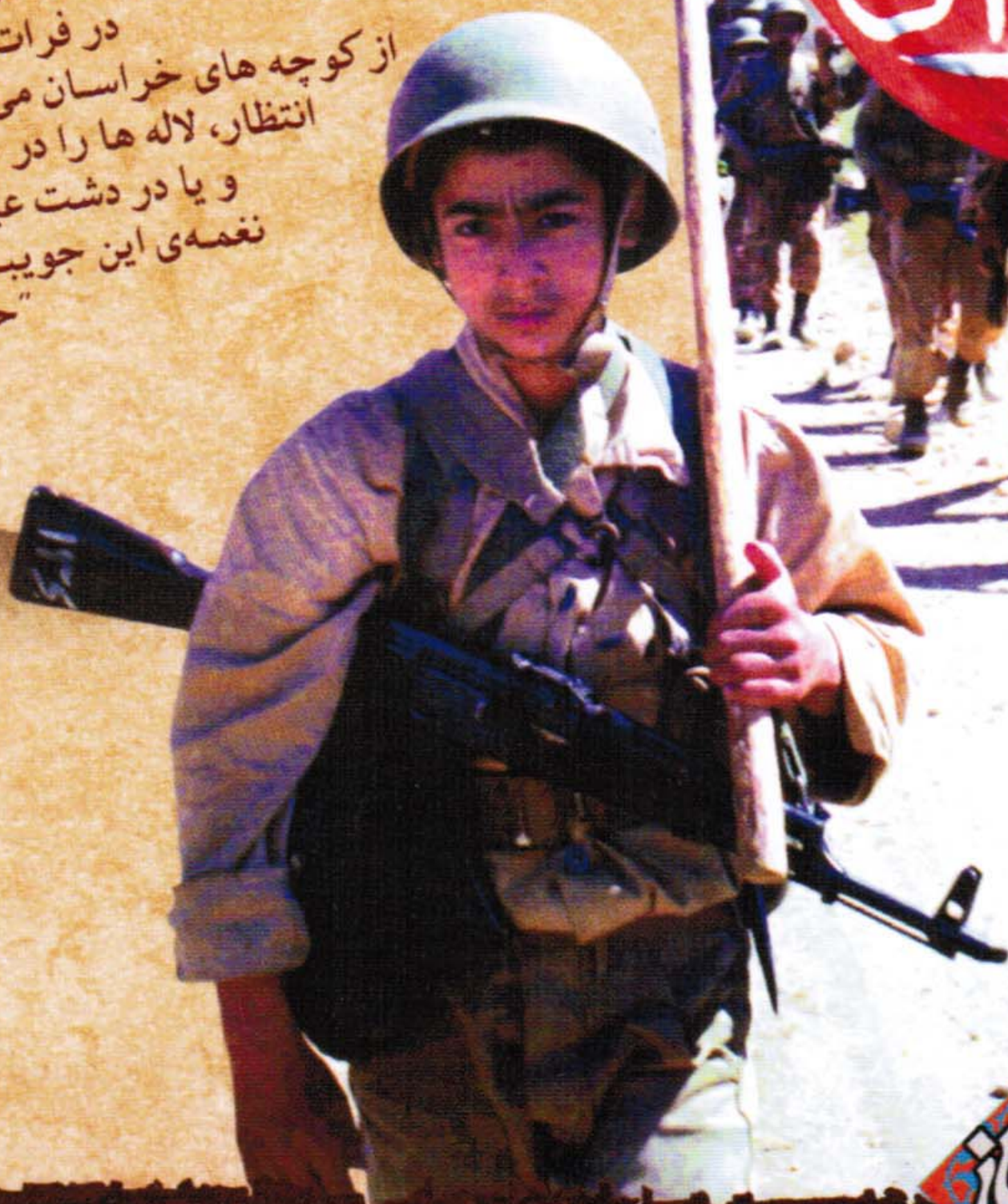
۲- الغدير ج ۱ ص ۵۸، ۲۷۱، ۲۷۴

۳- عوالم ج ۳/۱۵ ص ۴۲، ۶۰، ۶۵، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۵



سپوی یازدهم

دانستم که غدیر نه فقط برکه ای است حوالی مکه.
غدیر، چشمه ساری است که از حرا جاری می شود،
نخل های بریده ی فدک را سیراب می کند،
در فرات خونابه می شود،
از کوچه های خراسان می گذرد تا در عصر
انتظار، لاله ها را در خیابان های شهر
و یا در دشت عباس آبیاری کند.
نغمه ی این جویبار را می شنوم:
"حق با علی است"



حاضران به غایبان بگویند

غایبان روز غدیر در انقلاب ۵۷ و در خیابان‌ها حاضر می‌شوند
و با امام خویش بیعت می‌کنند.
چندی بعد، آنان برای مصاف با باطل، رو به سوی جبهه‌های نبرد
می‌آورند. دانش‌آموزان نیز از صف‌های مدرسه در صف‌های
اعزام به جبهه حاضر می‌شوند تا با اهدای ۳۶ هزار شهید، حضور
خود را اثبات کنند.

سبوی از تبار

سبوی دوازدهم

از چشمه سار غدیر، سبوی دیگری در دست دوستان علی است،
آنان که یاوران مهدی اند و پای در مسیر همکلاسی های آسمانی
خود نهاده اند و حرف شان این است که



حاضران به غایبان بگویند

طرح خداپایا ایده و تاریخ

بشر خداجو از ابتدای تاریخ در انتظار شکل گیری جامعه‌ای است، که تجلی آرمانهای خود را در تار و پود آن جستجو کند. بعثت پیام بران الهی، یک به یک و دعوت مردمان به سوی ارزشهای الهی، همه بیانگر تلاشهایی است برای شکل گیری این جامعه‌ی آرمانی که در تعالیم دینی ما، از آن به ارمانشهر مهدوی یاد می‌شود.

به راستی طرح خدا برای آینده‌ی تاریخ چیست؟ بعثت پیامبر آخر الزمان همانگونه که در کتب آسمانی پیش از او، بشارت داده شده است، نویدگر این است که تاریخ به سرانجام خود نزدیک می‌شود. مجموعه‌ی نشانی، نگاهی دارد به این قطعه‌ی سرنوشت ساز تاریخ، از بعثت پیامبر تا فراز و نشیب زندگی جانشینان و فرزندان بزرگوار او.

غدیر، ماجرای فدک، صلح امام حسن(ع)، عاشورای سال ۶۱ هجری، نهضت علمی ائمه اطهار، سفر تاریخی امام رضا(ع) به سرزمین موعود(ایران عزیز) و در نهایت، ولادت و بعثت امام عصر(عج) و نهضتی که، تا پایان عالم او آغاز تا عصر امام خمینی(ره) پیش برده اند، قطعاتی از تاریخ هستند که در این مجموعه، با نگاهی نو پیش روی نسل چهارم انقلاب قرار می‌گیرند.



طرح: هجری
کانون فرهنگی بیان تمونیر

غدیر زمزم جاری حقیقت است
که تشنگانش را وادی به وادی
به جستجوی خود می‌کشاند.
به راستی! نشانی این بر که را از
چه کسی می‌توان پرسید؟...

هیأت‌دانش‌آموزی
اصغر



بهار
مهاجران

